

# منزلت سنت در اسلام

مؤلف:

حسین تاجی گله‌داری

عنوان کتاب:

منزلت سنت در اسلام

مؤلف:

حسین تاجی گله‌داری

مترجم:

حدیث و سنت - حجیت و جایگاه حدیث و سنت

موضوع:

اول (دیجیتال)

نوبت انتشار:

آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری

تاریخ انتشار:

منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

[book@aqeedeh.com](mailto:book@aqeedeh.com)

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

[www.mowahedin.com](http://www.mowahedin.com)

[www.islamtxt.com](http://www.islamtxt.com)

[www.videofarsi.com](http://www.videofarsi.com)

[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)

[www.zekr.tv](http://www.zekr.tv)

[www.sadaislam.com](http://www.sadaislam.com)

[www.mowahed.com](http://www.mowahed.com)



[contact@mowahedin.com](mailto:contact@mowahedin.com)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## فهرست مطالب

فهرست مطالب.....أ

پیشگفتار..... ۱

معنای لغوی سنت ..... ۳

سنت در اصطلاح و مفهوم علماء ..... ۴

سنت وحی است..... ۶

گفتار علماء و بزرگان پیرامون سنت و حجیت آن ..... ۹

برای فهم احکام باید به سنت رجوع نمود ..... ۱۳

مثال احکامی که سنت آنها را بیان کرده است ..... ۱۴

طهارت ..... ۱۴

تیمم ..... ۱۶

نماز ..... ۱۷

زکات ..... ۱۸

روزه ..... ۱۸

حج ..... ۱۹

معاملات ..... ۲۰

حدود ..... ۲۱

ذکر آیاتی که بدون سنت معنا و مقصود آن فهمیده نمی شود .... ۲۳



## پیشگفتار

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه أجمعين.

خداوند متعال حضرت محمد مصطفی ﷺ را به رسالت و پیامبری برگزید و کتاب مقدسش، قرآن را برایشان نازل فرمود، آن قرآنی که درباره‌اش فرمود: ﴿وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ ﴿١﴾ لَا يَأْتِيهِ الْبَطْلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ ﴿٢﴾﴾ [فصلت: ۴۱-۴۲] کتابی است ارزشمند و غالب، که باطل از هیچ جهتی به آن راه ندارد.

و خداوند خودش حفظ و نگهداریش را به عهده گرفته است فرموده: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُو لَحَافِظُونَ ﴿٩﴾﴾ [الحجر: ۹]. همانا ما قرآن را فرستادیم و ما از آن نگهداری می‌کنیم.

و همچنین خدای بزرگ به پیامبرش امر نموده است که این قرآن را برای مردم بیان نماید: ﴿وَالزُّبُرُ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ ﴿٤٤﴾﴾ [النحل: ۴۴].

و این بیان مذکور در این آیه شامل دو نوع بیان می‌باشد:

**اول:** بیان لفظ قرآن، که همانا تبلیغ آیات و سوره‌های قرآن، و کتمان نکردن آن می‌باشد، همچنان که از جانب خدا بر قلب حضرتش ﷺ نازل شده است.

وهمین است مقصود این آیه: ﴿يَتَأْتِيهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾ [المائدة: ۶۷]. ای پیامبر گرامی! برسان آنچه که از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است.

دوم: بیان کردن معنای الفاظ و آیاتی که احتیاج به بیان و تفسیر دارد، و این‌ها بیشتر در آیات مجمل و یا عام، و یا مطلق وجود دارد، که سنت، مجمل را توضیح می‌دهد، و عام را تخصیص، و مطلق را مقید می‌گرداند. باید دانست که سنت همراه و دوشادوش قرآن قرار دارد و از یکدیگر جدا نمی‌شوند، و هیچگاه یکی از دیگری بی‌نیاز نمی‌گردد.

از آنجائی که خداوند بیان و تفسیر کتابش را بعهده پیامبرش واگذار نموده، برای او نیز گواهی داده است که آنچه که می‌گوید وحی از طرف خداوند است: ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۗ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ [النجم: ۳-۴].

هنگامی که پیامبر ﷺ دارای چنین شأن و منزلتی از طرف خداوند است، خداوند تعالی پیروی و فرمانبرداری ایشان را واجب، و عصیان و نافرمانی آن حضرت را حرام گردانده است، و می‌فرماید: ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ﴾ [النساء: ۵۹]. «خدا را اطاعت کنید و رسول الله را اطاعت نمائید».

و همچنین خدای متعال از آن کسانی که پیامبر را میانجی و حاکم در میان خود قرار نمی‌دهند، و در مقابل فرمان ایشان سر تسلیم فرو نمی‌آورند ایمان را نفی می‌کند و می‌فرماید:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [النساء: ۶۵]. «نه! سوگند به پروردگارت که آنان مومن بشمار نمی‌آیند تا زمانیکه در اختلافاتشان تو را

حکم و داور قرار ندهند، و سپس ملالی در دل خود از داوری تو نداشته و کاملاً تسلیم تو باشند».

این آیه شریفه بطور واضح و آشکار بیان می‌کند که آنهای که مدعی ایمان به رسول الله، و مدعی محبت او هستند، بدون اینکه به سنتش عمل نمایند و به حکمش گردن نهند اصلاً ایمان ندارند و مومن نیستند.

باز در آیه دیگر خداوند ادعاکنندگان، و آن کسانی که با فرمان حضرت ﷺ مخالفت می‌کنند، از افتادن در فتنه و عذاب دردناک برحذر می‌دارد و چنین می‌فرماید:

﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: ۶۳].

قرآن کریم با اسلوب‌های گوناگون و مختلف مردم را بسوی ایمان به سنت و عمل کردن به آن دعوت می‌دهد و می‌گوید که: قرآن و سنت اساس این دین هستند.

هرگاه ایمان به پیامبر ﷺ اصلی از اصول ایمان باشد پس بنابراین ایمان به ((سنت)) او جز لاینفک و جدا نشدنی از ایمان به وی می‌باشد، زیرا که او صاحب این سنت می‌باشد.

### معنای لغوی سنت

سنت در لغت عربی به راه و روش گفته می‌شود، خواه پسندیده باشد یا ناپسند و مذموم باشد. و به همین معنی است حدیثی که جریر بن عبدالله از پیامبر اکرم ﷺ روایت نموده است: «مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا مَا عَمِلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ». یعنی: کسی که طریقه و راه نیک و خوبی وضع نماید، پس برای اوست ثوابش، همچنین ثواب کسانی که تا روز قیامت بر راه

وروش او عمل می‌کنند. «وَمَنْ سَنَّ سُنَّةً سَيِّئَةً فَعَمِلَ بِهَا ، كَانَ عَلَيْهِ وِزْرُهَا ، وَوِزْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ». وکسی که راه و روش بد و نادرستی وضع نماید، پس براوست گناهش، وگناه کسانی که تا روز قیامت بر روش غلط و نادرست او عمل نمایند<sup>۱</sup>.

### سنت در اصطلاح و مفهوم علماء

سنت در اصطلاح علمای حدیث: آنچه که روایت شده از رسول الله ﷺ از گفتار و کردار یا تقریر (اقرار و سکوت پیامبر) یا صفت اخلاقی او یا پیدایشی او، خواه قبل از بعثت بوده یا بعد از آن، سنت گفته می‌شود. این تعریف به همان معنی حدیث می‌باشد، وهم چنین شامل سیرت و زندگی پیامبر نیز می‌باشد.

سنت در اصطلاح علمای اصول: آنچه که نقل شده باشد از رسول الله ﷺ از گفتار و کردار و اقرار، سنت گفته می‌شود.

سنت در اصطلاح فقهاء: آنچه که از رسول الله ﷺ ثابت شده باشد در صورتی که فرض و واجب نباشد سنت گفته می‌شود. یعنی آنچه که در مقابل واجب و غیره از احکام پنج گانه قرار دارد.

و گاهی نیز فقهاء لفظ سنت را اطلاق می‌کنند به آنچه که در مقابل بدعت قرار دارد مانند گفتارشان: طلاق سنت چنین است، و طلاق بدعی (بدعت) چنان.

و هم چنین بسا اوقات علمای حدیث سنت را اطلاق می‌کنند بر آنچه که در مقابل و ازاء بدعت باشد، می‌گویند: فلان شخص بر سنت است، هرگاه

۱- این حدیث را امام مسلم در کتاب صحیح به شماره ۲۰۵۹ و امام احمد در مسند ۳۵۷/۴ روایت کرده است.



کردار و اعمالش و اعتقادش موافقت داشته باشد به آنچه که رسول الله ﷺ آورده است. و هم چنین می‌گویند: فلان بر بدعت است هرگاه کردار و اعتقادش مخالف روش و طریقه پیامبر ﷺ باشد.

کتاب و سنت اساس شریعت است

شریعت اسلام بردواصل پایدار و استوار می‌باشد:

اصل اول: اینکه انسان تنها خدای یکتا را پرستش نماید و به او شرک نرزد، و این همان «لا إله إلا الله» است. هیچ معبودی به حق، به جز خدای یگانه وجود ندارد.

اصل دوم: خدا را به نحوه و طریقه‌ای پرستش نماید که خداوند بر زبان محمد رسول الله ﷺ بیان و تشریح نموده است، و این همان معنی «محمد رسول الله» می‌باشد.

پس وقتی که ما به رسالت و نبوت محمد مصطفی ﷺ گواهی دادیم، پیروی نمودن از ایشان در آنچه که امر فرموده، و تصدیق کردنش در آنچه خبر داده، و پرهیز و اجتناب از آنچه نهی نموده، واجب می‌گردد.

شریعت محمدی دارای دو مصدر و منبع می‌باشد که مسلمان چگونگی پرستش الله، و سایر عبادات خود را از این دو منبع زلال دریافت می‌کند، این دو منبع و مصدر قرآن کریم و (حدیث) سنت مطهره می‌باشد.

همچنانکه اطاعت و پیروی از رسول الله ﷺ در حیات و زندگی ایشان بر امت فرض بود، بعد از وفات ایشان نیز فرض و واجب می‌باشد. ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ﴾ [النساء: ۶۴] ﴿فَإِنْ تَنَزَّعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ﴾ [النساء: ۵۹].

که با روی آوردن به قرآن و حدیث (سنت) می‌توان راه درست و صحیح را انتخاب کرد و راه هدایت را پیمود، زیرا که تا زمانی که ما به این دو گوهر گرانبها چنگ بزنیم هرگز گمراه نخواهیم شد.

### سنت وحی است

پیغام خداوند بسوی پیامبرانش، از راه‌های پوشیده وحی می‌گویند. و آنچه که خداوند به پیامبرانش ابلاغ می‌کند، به یکی از سه طریقه زیر می‌باشد که در یک آیه آنها را چنین بیان فرموده است: ﴿وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَائِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بآيَاتِهِ مَا يَشَاءُ﴾ [الشوری: ۵۱].

**اول:** الهام، که در آیه آمده است: ﴿إِلَّا وَحْيًا﴾ که مقصود از آن آگاه ساختن والهام به قلب پیامبر است.

**دوم:** سخن از پشت حجاب و پرده، بدون اینکه باریتعالی را مشاهده کند، همچنان که موسی علیه السلام با پروردگار سخن گفتند و خداوند نیز با ایشان سخن گفت. و هم چنین رسول اکرم صلی الله علیه و آله در شب معراج از پشت حجاب و پرده با پروردگارش سخن گفت و خداوند نیز با ایشان سخن گفتند.

**سوم:** بوسیله فرشته، جبرئیل امین وحی. و بیشتر وحی از این نوع سوم می‌باشد. و جبرئیل به شکل وقیافه‌های مختلف نزد حضرت صلی الله علیه و آله حاضر می‌شد، گاهی به قیافه صحابی بزگوار دحیه کلبی ظاهر می‌شد، و گاهی نیز به صورت یک شخص اعرابی و بادیه نشین می‌آمد، و دوبار حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله حضرت جبرئیل علیه السلام را به صورت وقیافه اصلی اش که آفریده شده، دیده‌اند. بار اول هنگامی که در غار حراء به عبادت مشغول بودند، و بار دوم شب معراج نزد سدره المنتهی.

وبسا اوقات نیز چنین می‌شد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، فرشته وحی را مشاهده نمی‌کرد، بلکه صداها می‌شنید و حالت مخصوص وحی به ایشان دست می‌داد در حدیثی که ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها روایت می‌کند چنین وارد شده است که: حارث بن هشام از رسول الله صلی الله علیه و آله پرسید: چگونه وحی بسوی تو می‌آید؟ حضرت در جواب فرمود: «گاهی اوقات مانند صدای زنگ وحی بسویم می‌آید، و این سخت‌ترین نوع آن است، پس آن حالت خاص وحی به من دست می‌دهد و آنگاه آنچه وحی شده، در یافت نموده‌ام، و گاهی فرشته به صورت یک انسان ظاهر می‌گردد، پس با من سخن می‌گوید، سپس آنچه که می‌گوید دریافت می‌کنم». عایشه رضی الله عنها فرمود: به درستی که او را در روزهای بسیار سرد دیدم که هنگام که بر ایشان وحی نازل می‌شد پیشانی مبارکش عرق می‌کرد<sup>۱</sup>.

پس از اینکه دانستیم که: به آنچه که نسبت داده می‌شود به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از گفتار و کردار و تقریر (اقرار) سنت گفته می‌شود، باید دانست که سنت نیز وحی است، زیرا که خداوند می‌فرماید:

﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۗ (۳) إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ۗ (۴) عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ ۗ﴾ [النجم: ۳-۵]. پیامبر از روی هوی و خواهش نفسانی سخن نمی‌گوید، آنچه که می‌گوید وحی است که به سوی او وحی شده، و آن قوی و نیرومند (جبریل) به او آموخته است.

۱- این حدیث امام بخاری در کتاب صحیح به شماره (۲) روایت کرده است.

همچنان در حدیث آمده است که فرموده: «آگاه باشید بدانید که به من قرآن و همراه قرآن چیزی مانند آن داده شده است»<sup>۱</sup> (که آن سنت می‌باشد).

پس بنابراین سنت همراه قرآن می‌باشد، و مانند قرآن وحی است از طرف خداوند، و این دو از هم جدا شدنی نیستند، و بسیاری از آیات قرآن آن چنانکه بایستی فهمیده شود، دانسته نمی‌شود مگر با رجوع کردن به سنت و حدیث، و به خصوص آیاتی که احکام دربردارد.

---

۱- این حدیث صحیح است، و امام احمد در مسند (۱۳۱/۴) و امام ابو داود در کتاب سنن (۴۶۰۴) روایت کرده‌اند.

## گفتار علماء و بزرگان پیرامون سنت و حجیت آن

امام بیهقی از امام شافعی نقل می‌کند که فرموده است: سنت پیامبر ﷺ بر سه قسم می‌باشد:

**اول:** آنچه که خداوند درباره آن نص قرآن نازل فرموده، سپس رسول الله ﷺ نیز مانند نص قرآن، در سنت بیان کرده و سنت قرار داده است.

**دوم:** آنچه که خداوند بطور مجمل در قرآن نازل فرموده، سپس رسول الله ﷺ از طرف خداوند معنای آن را بطور تفصیل بیان فرموده و روشن گردانیده که این فریضه چگونه است خاص است یا عام، و بندگان خدا چگونه باید انجام بدهند.

**سوم:** آن چیزی که رسول الله ﷺ سنت گزارده، و نصی درباره آن در قرآن وجود ندارد.

همه این‌ها را آن حضرت ﷺ از طرف خداوند بیان کرده، و خداوند طاعتش را برهمگان فرض گردانیده است<sup>۱</sup>.

از کلام امام شافعی چنین می‌فهمیم که سنت پیامبر اکرم ﷺ به سه دسته و بخش تقسیم می‌شود: یک بخش از سنت همانند آیاتی است که در قرآن آمده، مثلاً در قرآن امر به تقوا و پرهیزگاری، و دوری از صفات رذیله آمده است، در سنت نیز چنین فرمایشاتی آمده است.

دسته دوم: اینکه خداوند بطور اجمالی حکمی نازل فرموده، و حضرت از آنجای که وظیفه بیان نمودن قرآن بعهدہ دارند این احکام را بطور تفصیلی

---

۱- سیوطی در رساله مفتاح الجنه، صفحه ۷ نقل کرده است.

وگسترده بیان فرموده است، مثلاً خداوند در قرآن بطور مطلق فرموده: نماز بخوانید، اما نفرموده چگونه بخوانیم؟ چند رکعت بخوانیم؟ رسول اکرم ﷺ این را در سنت بیان فرموده‌اند.

بخش سوم: آن دسته از احادیثی شامل می‌شود که پیامبر ﷺ به امری دستور داده یا از کاری نهی نموده، و در قرآن نص صریحی درباره آن وجود ندارد.

اما شافعی در جای دیگر نیز می‌فرماید: تمام آنچه را که رسول الله ﷺ بعنوان سنت بیان کرده است، خداوند پیروی از آن را بر ما لازم قرار داده است، و پیروی از پیامبر را پیروی و اطاعت از خود قرار داده، و روی گردانی از اطاعت پیامبر را، معصیت و نافرمانی خود قرار داده است و عذری برای هیچ کس باقی نگذاشته است، و راه‌گزینی از پیروی سنت قرار نداده است.<sup>۱</sup>

پس اطاعت از رسول الله، اطاعت از خدا، و نافرمانی رسول الله، نافرمانی خداوند می‌باشد خداوند می‌فرماید: ﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ﴾ [النساء: ۸۰]. کسی که از رسول اطاعت نماید در واقع از خداوند اطاعت نموده است.

در حدیث آمده است که رسول الله در روز خیبر چیزهای را تحریم نمودند، و از جمله آنها گوشت الاغ بود؛ سپس فرمود: نزدیک است که شخص بر تختش بنشیند، و درباره حدیث من سخن بگوید که: میان من و شما فقط کتاب خدا (قرآن) می‌باشد، پس آنچه که از حلال در آن یافتیم حلال می‌دانیم، و آنچه که در آن حرام یافتیم حرام می‌شماریم! آگاه باشید:

آنچه که رسول الله حرام کرده است همانند آن چیزی است که خداوند آنرا حرام کرده است.<sup>۱</sup>

امام بیهقی روایت می‌کند<sup>۲</sup> که: عمران بن حصین صحابی بزرگوار، روزی حدیث بیان می‌فرمود، شخصی از حاضرین گفت: ای ابونجید (عمران)، شما برای ما احادیثی بیان می‌کنید که اصلی از آنها را در قرآن نمی‌یابیم؟ آنگاه عمران خشمگین شد و رو به آن شخص کرد، و گفت: آیا همه قرآن را خوانده‌ای؟ گفت: بلی، عمران گفت: آیا در قرآن یافته‌ای که نماز عشاء چهار رکعت است و نماز مغرب سه رکعت، و نماز صبح دو رکعت و نماز ظهر چهار رکعت و عصر چهار رکعت؟

گفت: خیر. عمران گفت: پس از کجا گرفته‌اید؟ امر غیر از این است که از ما گرفته‌اید، و ما نیز از رسول الله گرفته‌ایم. سپس گفت: آیا در قرآن یافته‌ای که در هر (چهل) گوسفند یک گوسفند، و در هر این تعداد شتر این قدر، و در این مقدار درهم، این قدر زکات می‌باشد؟ آن شخص در نهایت گفت: خدا به تو زندگی دهد و زنده نگه دارد که مرا زنده کردی.

در این داستان دیدیم که آن صحابی بزرگوار با این طریقه حکیمانه توانست آن شخص را راهنمایی و ارشاد نماید، و از این جریان ما نیز می‌توانیم به اهمیت و ارزش سنت نزد سلف صالح پی ببریم که چگونه به آن محبت می‌ورزیدند و شبهات را از آن دور می‌کردند.

ایوب سختیانی رحمته می‌گوید: هرگاه برای شخص حدیث بیان کردی، پس او گفت: این را بگذار و از قرآن بیان کن، بدان که بی‌شک او گمراه است.

۱- این حدیث صحیح می‌باشد. مراجعه شود به: سنن ابو داود (۳۹۸۸) و سنن ترمذی (۲۵۸) و سنن دارمی (۱۴۴/۱).

۲- همچنین امام ابو داود این قصه را بطور مختصر در کتاب سنن به شماره (۱۳۳۴) روایت کرده است.

امام شافعی رحمته الله روزی حدیثی روایت نمودند و سپس فرمودند که صحیح می‌باشد، شخصی به ایشان گفت: ای ابو عبدالله (امام شافعی) آیا به آن قائل هستی؟ امام بر آشفت و فرمود: ای شخص! آیا مرا نصرانی یافته‌ای؟ مگر مرا دیده‌ای که از کلیسا بیرون می‌آیم؟ مگر کمربند کشیشان بر کمر من دیده‌ای؟ که من از رسول الله صلی الله علیه و آله حدیث روایت بکنم و به آن قائل نباشم.

اما ابو بکر بیهقی می‌گوید: اگر سنت واحادیث حجت نمی‌بود، حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله در خطبه حجه الوداع بعد از اینکه به حضار امور دینشان تعلیم داد نمی‌فرمود: «أَلَا فَلْيُبَلِّغِ الشَّاهِدُ مِنْكُمُ الْغَائِبَ فَرَبِّ مَبْلَغِ أَوْعَى مِنْ سَامِعٍ». <sup>۱</sup> یعنی: آگاه باشید، پس باید کسانی که از شما حاضرند به کسانی که غائب هستند، برسانند، چه بسا کسی که به او حدیث برسد از شنونده (اولی) دریافت کننده تر باشد.

و در حدیث دیگر آمده است: «نَصَّرَ اللَّهُ أَمْرًا سَمِعَ مِنَّا شَيْئًا فَبَلَّغَهُ كَمَا سَمِعَ فَرَبِّ مَبْلَغِ أَوْعَى مِنْ سَامِعٍ» <sup>۲</sup>. یعنی: خداوند خوش و خرم و نورانی گرداند شخصی که از ما حدیثی شنید، سپس آن را رسانید، همچنانکه شنیده است، پس چه بسا کسی که به او حدیث می‌رسد از شنونده بهتر دریافت می‌کند.

امام شافعی در این باره چنین می‌فرماید: از آنجایی که رسول الله صلی الله علیه و آله برای شنیدن سخنش و حفظ کردن آن واداء نمودنش، تشویق و ترغیب نموده‌اند، بر این دلالت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه و آله امر به رساندن چیزی می‌نماید که بوسیله آن اتمام حجت شود بر کسانی که به آنها رسیده است،

۱- این حدیث امام احمد بن حنبل در کتاب مسند (۲۳۰/۱، ۳۷/۵) روایت کرده است.

۲- این حدیث صحیح است، و امام احمد در کتاب مسند (۴۳۷/۱) و امام ترمذی در کتاب جامع به شماره (۲۷۹۴) و امام ابن ماجه در کتاب سنن به شماره (۲۳۲) روایت کرده‌اند.



زیرا آنچه که از طرف حضرت رسانده می‌شود: کار حلالی است که انجام داده می‌شود، و حرامی است که از آن دوری واجتناب می‌شود، و حدی است که برپا می‌شود، و مالی است که گرفته می‌شود و یا داده می‌شود، و یا نصیحتی در مورد دین و دنیا است.

### برای فهم احکام بای د به سنت رجوع نمود

کسی که قرآن و احادیث نبوی را با درک و فهم مطالعه کند و بخواند، به خصوص آیات و احادیث احکام را، بدون شک در می‌یابد که سنت نبوی در بیان احکام مجمل قرآن کریم نقش مهمی دارد و این قابل انکار نیست، و سنت و حدیث نبوی است که مطلق آیات قرآن را مقید، و عام آن را خاص می‌گرداند، و ناسخ و منسوخ آن را بیان می‌کند.

اگر ما خواسته باشیم آن احکامی که در قرآن بطور مجمل آمده، و سنت رسول الله ﷺ آنها را بیان و تفصیل نموده، و همچنین احکامی که در سنت ذکر شده و در قرآن نیامده است، مثال بزنییم، بدون شک احکام بسیاری را در ابواب عبادات و معاملات و حدود و غیره خواهیم یافت.

## مثال احکامی که سنت آنها را بیان کرده است

### طهارت

از احکامی که در قرآن کریم بطور مجمل ذکر شده، و سنت رسول الله ﷺ آنها را بیان نموده، و توضیح داده وضو و تیمم می باشد.

خداوند تبارک و تعالی وضو و تیمم را با مقداری تفصیل بیان نموده، ولی هنوز نیاز به سنت برای واضح شدن آن همچنان باقی است. خداوند فرموده است:

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِّنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٦﴾﴾ [المائدة: ٦].

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرگاه به قصد نماز برخاستید، پس صورت‌هایتان و دست‌هایتان را تا آرنج بشوئید، و سرهایتان را مسح کنید، و پاهایتان را تا دو کعب (قوزک) بشوئید. و اگر جنب بودید پس خود را پاک کنید (غسل کنید) و اگر بیمار یا در حال سفر بودید، یا یکی از شما از محل قضای حاجت آمد، و یا با زنان آمیزش کردید و آب را نیافتید، پس با خاک پاک تیمم نمائید. پس صورت‌هایتان و دست‌هایتان را با آن مسح کنید.

خداوند نمی‌خواهد که بر شما سخت بگیرد، ولیکن می‌خواهد شما را پاکیزه سازد، ونعمتش را بر شما تمام کند، تا اینکه شما سپاسگزار باشید.

آنچه سنت بیان کرده:

۱- هنگامی که شخص شروع به وضو گرفتن نمود سه بار دستهایش را تا مچ می‌شوید، سپس آب در بینی می‌کند و بینی را پاک می‌کند (استنشاق) وهم چنین سه بار آب در دهان می‌کند (مضمضه).

۲- سنت هم چنین بیان نموده که جایز است برای شخص که وضو می‌گیرد هر عضوی یک بار، یا دو بار و یا سه بار بشوید، و سه بار شستن کامل‌تر و بهتر است، و بیش از سه بار جایز نیست بلکه ناپسند می‌باشد، هم چنین جایز است که بعضی از اعضا را یکبار و بعضی را دو بار و بعضی دیگر را سه بار بشوید.

۳- از عمل و فعل حضرت ﷺ (سنت عملی) ثابت شده است که سر را باید یکبار مسح نمود، و کیفیت آن در حدیث چنین آمده است: که با دوستانش از جلو سرش شروع نموده سپس به عقب سرش می‌برد و آنگاه به جای اولش، یعنی همانجا که شروع کرده است، بر می‌گرداند. و مسح سر بیش از یکبار تکرار نمی‌شود. هم چنین دو گوش را فقط یکبار مسح می‌کند، و گرفتن آب جدید برای مسح گوش‌ها لازم نیست، بلکه همراه سر و با آن آبی که برای مسح سر گرفته گوش‌ها را مسح می‌کند.

این کیفیت و چگونگی وضو در پرتو قرآن و سنت پیامبر اکرم ﷺ است<sup>۱</sup>.

۱- مراجعه شود به صحیح بخاری کتاب وضو.

## تیمم

خداوند در قرآن کریم بیان فرموده که تیمم فقط برای صورت و دست می‌باشد، همچنان که در آیه گذشت، اما حد دست تا کجا است مشخص ننموده است، آیا مانند وضوء است و باید تا آرنج مسح کرد؟ و آیا برای تیمم، یک بار باید دست بر خاک زد یا دو بار؟ سنت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و احادیث صحیحی که از ایشان روایت شده است به این دو سوال پاسخ می‌دهد.

سنت پاسخ می‌دهد که: کافی است که جهت تیمم کردن دو کف دست را یک مرتبه بر خاک بزیمیم، وهم چنین اندازه وحد مسح کردن تا میچ دست می‌باشد<sup>۱</sup>.

در دنباله آیه خداوند حکم دیگری از احکام طهارت را بیان نموده، که همانا پاکیزگی از جنابت می‌باشد.

و فرموده: ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَأَطَهَّرُوا﴾ اگر شما جنب بودید، پس خود را پاک کنید. این آیه بطور اجمالی این پاکیزگی و طهارت را بیان کرده است، وسنت چگونگی این پاکیزگی را در صورتی که با آب باشد، چنین بیان کرده است:

اول استنجاء می‌کند، بعد از آن، جاهایی از بدنش را که آثار نجاست و آمیزش بر آن باقی است می‌شوید، سپس مانند وضو گرفتن برای نماز، وضو می‌گیرد سپس سرش را می‌شوید، بعد از آن تمام بدنش را می‌شوید و از سمت راست بدنش شروع می‌کند، وهم چنین موهای سرش را با

۱- رجوع شود به صحیح بخاری کتاب تیمم. باب: التیمم للوجه والكفین. البته در بعضی روایت در غیر صحیحین آمده است که می‌توان دست‌ها را تا آرنج مسح نمود، ولی آنچه در کتاب صحیح آمده ترجیح دارد.

دست‌هایش خلال می‌کند (یعنی اگر موهای سرش زیاد باشد باید آب را به وسط و داخل موهایش برساند).

این کیفیتی که ذکر شد برای هنگامی است که آب در دسترس باشد، در صورت نبودن آب، و یا عدم توانایی غسل کردن، خاک پاک کافی می‌باشد، و کیفیت آن این است که کف دستش یکبار بر زمین بزند و آنگاه چهره و پشت دو کف دستش را یکبار مسح نماید.

این کیفیتی که بیان کردیم، توضیح و شرح آیه: ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَأَطَّهَرُوا﴾ بود که سنت مطهر رسول اکرم صلی الله علیه و آله آن را بیان کرده است.

## نماز

نماز رکن دوم از ارکان پنجگانه اسلام می‌باشد، و خداوند امر به برپا داشتن آن فرموده است: ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ﴾ [المزمل: ۲۰]. «نماز را برپا دارید». سوالی که این جا برای هرکس پیش می‌آید این است که چگونه برپا داریم؟ پس سنت و احادیث رسول الله صلی الله علیه و آله است که این سوال مهم را پاسخ می‌دهد.

با مطالعه و بررسی احادیث رسول الله صلی الله علیه و آله چنین واضح و روشن می‌گردد که خداوند تبارک و تعالی در شب اسراء و معراج نماز را بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و پیروانش فرض گردانیده است، و هنگام نماز صبح جبریل امین علیه السلام از طرف خداوند به زمین فرود آمد و به حضرت صلی الله علیه و آله افعال نماز و تعداد رکعات آن، جاهای آهسته خواندن، و بلند خواندن قرائت را به حضرت صلی الله علیه و آله آموزش داد، و بعد از آن، حضرت رسول صلی الله علیه و آله کیفیت و چگونگی برپاداشتن نماز را به اصحاب و یارانش آموزش داد، و فرمود: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي» هم چنان که مرا می‌بینید نماز می‌خوانم، نماز بخوانید.

هم چنین سنت رسول الله ﷺ برای ما تعداد رکعات و اوقات نمازها، وارکان آن، واذکار رکوع و سجود و تشهد و غیره را بیان نموده است.<sup>۱</sup>

## زکات

قرآن کریم بطور اجمالی به پرداختن زکات امر نموده، هم چنان که به برپاداشتن نماز امر نموده است، و فرموده: ﴿وَأَقِمْوْا الصَّلَاةَ وَعَاتُوا الزَّكَاةَ﴾ [المزمل: ۲۰]. «نماز را برپا دارید و زکات را بدهید».

و فرموده: ﴿وَعَاتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ﴾ [الأنعام: ۱۴۱]. «روز دروکردنش، حقتش را بدهید».

سپس سنت رسول الله ﷺ است که این اجمال را تفصیل نموده، و اموالی که زکات به آن تعلق می‌گیرد، و نصاب آن، و مقداری که باید پرداخت کرد، همه این‌ها را بیان نموده است. و همچنین سنت رسول الله ﷺ نوعی دیگر از زکات را که در قرآن ذکر نشده، بیان کرده که همانا زکات فطر می‌باشد، که در پایان ماه مبارک رمضان به مستحقین داده می‌شود.

## روزه

قرآن کریم رکن چهارم اسلام، یعنی روزه، با اندکی تفصیل بیان نموده است.<sup>۲</sup> ولی هنوز احکام و مسائلی است که به روزه تعلق دارد، اما در قرآن ذکر نشده است، بعنوان مثال:

اگر کسی در هنگام روزه بودن با همسرش هم بستر شد، حکم آن چیست؟

۱- به صحیح بخاری، کتاب الصلاة و هم چنین کتاب صفة صلاة النبي تالیف علامه آل‌بانی مراجعه شود.

۲- رجوع شود به آیه ۱۸۳ تا ۱۸۷ از سوره بقره.

اگر کسی در حال فراموشی چیزی بخورد یا بنوشد حکم آن چیست؟ نیت روزه چگونه است، و اگر شخصی نیت نکند حکم روزه وی چیست؟ جواب این پرسش‌ها وهمچنین مسائل دیگری که متعلق به روزه می‌باشد را سنت رسول الله ﷺ بطور آشکار و روشن بیان کرده است. و با رجوع به کتاب‌های حدیث، می‌دانیم که اگر کسی در روز رمضان با همسر خود هم بستر شود علاوه بر اینکه روزه‌اش باطل می‌گردد، کفاره نیز بر وی واجب می‌باشد. وهم چنین بیان کرده که: اگر کسی فراموش کرد چیزی خورد یا نوشید هیچ اشکالی ندارد، و روزه خود را به غذا و آب داده است. وهمچنین سنت بیان کرده: کسی که از شب (قبل از طلوع فجر) نیت روزه نداشته باشد، روزه‌اش باطل می‌باشد.

### حج

اگر به رکن پنجم اسلام که همانا حج باشد بنگریم، می‌بینیم که خداوند در قرآن کریم واجب بودن آن را اعلام می‌کند: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ [آل عمران: ۹۷].  
 وعلاوه از این، بعضی از احکام آن مانند افاضه از عرفات، و ذکر خدا در مشعر الحرام، وهم چنین باقی ماندن در منی تا روز دوم و یا سوم از ایام تشریق را بیان کرده است. وهم چنین امر به طواف نموده است. اما بقیه احکام حج که در قرآن کریم ذکر نشده، سنت مطهره آنها را بیان نموده است. واحادیث بسیاری در کتب حدیث وارد شده است که از همه معروفتر و کاملتر آن حدیثی است که جابر بن عبدالله انصاری روایت می‌کند، در این حدیث جابر، واحادیث دیگری که روایت شده تمامی احکام حج بیان شده که: چگونه احرام ببندیم؟ بعد از احرام چه چیزهایی بر انسان حرام می‌گردد؟ چگونه طواف و سعی کنیم و آغاز و انتهای طواف و سعی کجاست

و در عرفات کجا باید وقوف نمود؟ و کی و چگونه باید وقوف نمود؟ همه این احکامی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آنها را با سخنان گهربار و احادیثش بطور واضح و آشکار بیان فرموده است.

### معاملات

احکامی که قرآن بطور مجمل بیان کرده و سنت آنها را به تفصیل بیان نموده، و یا در قرآن ذکر نشده ولی در سنت آمده و بیان شده است، در باب عبادات منحصر نمی‌شود، بلکه سنت مطهره رسول الله صلی الله علیه و آله در تمام مباحث فقهی اعم از معاملات، جنایات و حدود، نقش بارز و آشکاری دارد. ما در مبحث معاملات می‌بینیم که قرآن کریم چنین می‌فرماید: ﴿وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا﴾ [البقرة: ۲۷۵]. «یعنی خداوند خرید و فروش را حلال، و ربا را حرام گردانیده است».

پس هنگامی که به احادیث رجوع می‌کنیم می‌بینیم که رسول الله صلی الله علیه و آله انواع مختلفی از داد و ستدها را نهی فرموده:

- ۱- فروش بر فروش برادر مسلمان.
- ۲- (نجش) یعنی زیاد نمودن قیمت کالا بایک نوع اتفاق با فروشنده، بخاطر گول زدن به مشتری.
- ۳- بیع ملامسه: لمس کردن پارچه یا چیزی دیگر، بدون نگاه کردن به آن، که به مجرد لمس نمودن بیع لازم می‌گردد.
- ۴- بیع منابذه: اینکه فروشنده به مجرد اینکه پارچه یا کالای بسوی خریدار انداخت بیع لازم گردد.
- ۵- بیع حصاه: اینکه مشتری از دور سنگریزه ای به طرف کالا می‌اندازد، به هر کدام که اصابت نمود، معامله لازم می‌گردد.



- ۶- بیع مصراه: یعنی فروختن حیوانی که پستانش را برای مدتی بسته باشند، تا هنگام فروختن مشتری خیال کند بسیار شیرده می‌باشد.
- ۷- رفتن به استقبال قافله ای تجارتي و خریدن مال التجاره آنها با قیمتی نازلتر از قیمت بازار، قبل از اینکه وارد بازار شود.
- و غیر از این انواعی که ذکر نمودیم، انواع دیگری نیز از معاملات نیز وجود دارد که در حدیث از آنها نهی شده، و در کتابهای فقه بطور مفصل ذکر شده‌اند، و این نوع از معاملات بخاطر اینکه در آنها خدعه و فریب می‌باشد ممنوع قرار داده شده است.

### حدود

در باب حدود و تعزیرات نیز احکامی در سنت وارد شده که برخی از آنها در قرآن ذکر نشده، و برخی دیگر بطور مجمل در قرآن ذکر شده، ولی سنت آنها را بطور تفصیل بیان نموده و شرح داده است. در این باره به یک مثال بسنده می‌کنیم:

خداوند در قرآن کریم در باره حد مردان و زنان دزد، چنین می‌فرماید:

﴿وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ [المائدة: ۳۸]. دست مرد و زن دزد را قطع کنید این کیفر عمل آنها و مجازاتی از طرف خداوند است، همانا خداوند غالب و باحکمت است.

پس در این آیه می‌بینیم که خداوند به بریدن دست دزد امر نموده است بدون اینکه مقدار و اندازه مال سرقت شده را و یا محل بریدن دست را بیان کرده باشد. و کلمه ((ید)) یعنی دست از انگشتان تا بازو را شامل می‌شود، آیا مراد از دست، انگشتان است؟ یا مچ دست؟ و یا آرنج؟ و یا بازو؟ پاسخ این پرسشها را در سنت می‌توان یافت.

رسول الله ﷺ فرموده است: «دریک چهارم دینار و یا بیشتر از آن دست دزد بریده می‌شود»<sup>۱</sup>.

وهم چنین در سنت و روش عملی آن حضرت ﷺ آمده است که دست شخص دزد را از میچ می‌بریدند.

---

۱- این حدیث را امام بخاری در کتاب صحیح به شماره (۶۷۸۹) و امام مسلم در کتاب صحیح به شماره (۱۶۸۴) روایت کرده‌اند.

## ذکر آیاتی که بدون سنت معنا و مقصود آن فهمیده نمی‌شود

۱- درسوره انعام آیه ۸۲ می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ﴾ [الأنعام: ۸۲]. یعنی: آن کسانی که ایمان آوردند و ایمان خود را به ستم نیالودند، برای آنها ست ایمنی و امن و ایشانند هدایت شدگان.

وقتی که این آیه نازل گردید صحابه کرام پریشان شدند، و نزد حضرت رسول الله ﷺ رفتند و عرض کردند: ای رسول خدا! کدامیک از ماها ایمان خود را به ستم آلوده نکرده است؟ حضرت رسول در جواب آنها فرمود: منظور از ستم در این آیه آن ستمی نیست که شما فهمیده‌اید بلکه منظور از ستم در این آیه شرک است آیا نشنیده‌اید که لقمان فرمود: ﴿إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾ [لقمان: ۱۳]. همانا شرک ستم بزرگی است<sup>۱</sup>.

صحابه کرام از مفهوم کلمه ظلم چنین فهمیده بودند که هر نوع ظلم و ستمی اگر چه کوچک و کم باشد مثل ستم کردن انسان به نفس خود، نیز شامل این آیه می‌باشد ولی رسول الله ﷺ برایشان بیان نمود که هدف از ظلم در این آیه، شرک است.

۲- درسوره نساء آیه ۱۰۱ خداوند چنین می‌فرماید: ﴿وَإِذَا صَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنَّ خِفْتُمْ أَنْ

۱- این حدیث را بخاری و مسلم روایت کرده‌اند.

يَفْتَتِكُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ ﴿[النساء: ۱۰۱]. یعنی: هنگامی در زمین به سفر پرداختید، بر شما گناهی (باکی) نیست که نماز را قصر بخوانید اگر ترسیدید که کافران شما را دچار فتنه کنند. از ظاهر این آیه چنین فهمیده می‌شود که قصر خواندن نماز در سفر مشروط بر این است که از حمله و هجوم دشمنان و کفار ترس و وحشت داشته باشد. و به همین خاطر برخی از اصحاب از رسول الله ﷺ پرسیدند: ای رسول خدا! چرا ما نمازهایمان را قصر می‌خوانیم در حالی که در امن و امان هستیم؟ رسول الله ﷺ فرمودند: این صدقه ای است که خدای بزرگ بر شما صدقه نموده است، پس صدقه خدا را بپذیرید<sup>۱</sup>.

پس در این جا اگر حدیث شریف وجود نمی‌داشت چنین برداشت می‌کردیم که فقط در حالت خوف از دشمن می‌توان نماز را قصر خواند، اما در سفرهایی که انسان در امن و امان است نمی‌تواند قصر بخواند، ولی این حدیث شریف ما را از این فهم اشتباه و نادرست نجات داده است.

۳- در سوره مائده آیه ۳ خدای بزرگ فرموده: ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ الْمَيْتَةُ

وَالدَّمُ...﴾ [المائدة: ۳]. یعنی: مردار و خون بر شما حرام شده است.

اگر ما به آیه مراجعه کنیم بدون در نظر گرفتن سنت و احادیث باید ماهی و ملخ که جزء مردار، و کبد و طحال که از جمله خون به شمار می‌آید، بر خودمان حرام کنیم. ولی سنت رسول الله ﷺ برای ما بیان کرده که ملخ و ماهی، و هم چنین کبد و طحال حلال می‌باشد. رسول الله ﷺ فرموده

۱- امام مسلم این حدیث را در کتاب صحیح به شماره (۸۶۸) روایت کرده است.

است: برای ما دو مردار و دو خون: ملخ و ماهی، کبد و طحال حلال شده است.<sup>۱</sup>

۴- در سوره انعام آیه ۱۴۵ فرموده است: ﴿قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خَنزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهْلًا لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ﴾ [الأنعام: ۱۴۵].

«بگو در آنچه بمن وحی شده است چیزی را برخوردارنده‌ای حرام نمی‌یابم جز آنکه مردار باشد، یا خون ریخته شده یا گوشت خوک، پس همانا این پلید و ناپاک‌اند، و یا آنچه که فسق (نافرمانی و معصیت) باشد که نام غیر از خدا بر آن برده شده است».

اگر ما خواسته باشیم این آیه را بدون در نظر گرفتن احادیث رسول خدا، تفسیر کنیم باید محرمات را فقط در مردار و گوشت خوک و آنچه برای غیر از خدا ذبح شده، منحصر نمائیم در حالی که چنین نیست، سنت رسول الله ﷺ چیزهای دیگری را نیز حرام نموده که در این آیه ذکر نشده‌اند رسول الله ﷺ فرموده است: «تمام حیوانات درنده (دارای نیش) و پرندگان گوشتخوار (دارای چنگال) حرام می‌باشد».<sup>۲</sup>

هم چنین در روز خیبر رسول الله ﷺ گوشت الاغ را حرام کردند، و فرمودند: همانا خدا و رسولش شما را از گوشت الاغ نهی می‌کنند زیرا پلید است.<sup>۳</sup>

۱- این حدیث صحیح است و امام احمد درمسند (۹۷/۲) و امام شافعی درمسند (ص ۳۴۰) و ابن ماجه درسنن (۳۳۱۴) و بیهقی درکتاب سنن (۲۵۷/۹) روایت کرده‌اند.

۲- این حدیث را امام مسلم درکتاب صحیح به شماره (۱۹۳۴) روایت کرده است.

۳- امام بخاری (۵۵۲۸) روایت کرده است.

۵- در سوره اعراف آیه ۳۲ چنین آمده است: ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ﴾ [الأعراف: ۳۲]. «بگو چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگانش آفریده است، وهم چنین روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟».

براساس این آیه آنچه که شامل زینت و آرایش می‌باشد باید برای بندگان حلال باشد، درحالی که تفسیر و شرح این آیه چنین نیست بلکه زینتهایی وجود دارد، که سنت حکم حرمت آنها را بیان نموده است.

در حدیث صحیح آمده است که روزی رسول الله ﷺ نزد اصحاب تشریف آوردند در یک دست مبارک ابریشم و در دست دیگرش طلا بود، آنگاه فرمود: این دو چیز بر مردان اتمم حرام، و برای زنان اتمم حلال می‌باشند<sup>۱</sup>.

ما اگر خواسته باشیم تمام احکامی که در قرآن بطور اجمال آمده و سنت پیامبر ﷺ آنها را شرح و توضیح داده بیان نمائیم در این کتاب مختصر نمی‌گنجد، پس آنچه که ما ذکر نمودیم کافی است برای شخص مسلمان و پیرو رسول الله ﷺ که مقام و منزلت سنت را در تشریح (شریعت) اسلامی بشناسد و یقین پیدا کند که برای فهمیدن قرآن کریم نیاز به سنت واحادیث داریم و بدون سنت نمی‌توانیم قرآن کریم را آن طور که خواست خداوند است بفهمیم.

در پایان شایسته است که گفتار امام بزرگوار، امام مالک بن انس را ذکر کنم که فرموده است: «سنت کشتی نوح است، کسی که برکشتی سوار شد نجات می‌یابد، و کسی که از سوارشدن خودداری نمود، غرق می‌شود».

وصلي الله علي سيدنا محمد وعلي آله وصحبه أجمعين.

۱- این حدیث صحیح می‌باشد، و امام احمد (۹۶/۱) و ابو داود (۴۰۵۷) و نسائی (۵۱۴۴) و ترمذی (۱۷۲۰) و ابن ماجه (۳۵۹۵) روایت کرده‌اند.

التماس دعای خیر

حسین تاجی گله داری

۱۲ ربیع الأول ۱۴۱۹ هجری ۱۳۷۷ شمسی